

فشرده پژوهشی پیرامون دیدانداز و بینش تاریخی حجاب و فهم ناهمگون از آن !!



ترتیب و تدوین: دکتر پیکار

۳ جنوری ۱۳۹۰

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (24:30)

" به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فرو گیرند و شرمگاه خود نگه دارند. این برایشان پاکیزه تر است. زیرا خداوند به کار هایی که میکنند آگاه است." (30:24)

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ..... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (24:31)

" و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را فرو گیرند و جاهای مخصوص شان را نگه دارند و زینت های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقنعه های خود را تا گریبان فرو گذارند و زینت های خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود یا پدر خود یا پسر برادر خود، یا پسر خواهر خود یا زنان همکیش خود، یا بندگان خود، یا مردان خدمت گزار خود که رغبت به زن ندارند، یا کودکانی که از این امور بی خبرند. و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت ها که پنهان کرده شده اند، دانسته نشوند. ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه و استغفار کنید، باشد تا رستگار شوید." (24:31)

مدت زمان خیلی ها زیاد سپری شده است که در رسانه ها، نشرات، آثار و آفریده های اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، همه مسلمان ها و شرقشناس ها، به ویژه مردمان سرزمین باختر و خاور، به شمول دنیای امریکای شمالی، آسیای میانه و

جنوبی، دنیای شرق میانه، و تقریباً در سراسر کره زمین، موضوع حجاب به یکی از عناوین داغ روز در همه کشورها و در میان انسانها با داشته‌های ناهمگون فرهنگی، مبل شده است. برخی از نویسندگان به این باور هستند که پوشش اسلامی، در واقعیت امر نتیجه تعامل فرهنگی میان عرب و عجم، (عرب‌ها و ایرانی‌ها)، و رومی‌ها، بوده است که در نتیجه، اسلام بخاطر رفع دشواری‌ها و تشاویش ذهنی در امر چگونگی حضور عملی زنان در برابر مردها و یا به اصطلاح نامحرم‌ها، جدیت بیشتر را بخرج داد، در صورتی که قانون خاصی در زمینه از ابتدا وجود نداشته است و آنچه امروز در دنیای مدرن به صورت دستور و هدایت شرعی و اسلامی در آمده است، دارای هیچگونه استناد شرعی نیست. لذا لازم دانسته میشود تا با در نظر داشت فهم و امکانات فردی به صحت و سقم اینگونه نظریات می‌پردازیم و نیز جهات فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و اخلاقی آن را نیز در فرآیند تلاش‌های مان به توضیح و تفسیر خواهیم نشست.

حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم از احکام ضروری دین اسلام است. در ادیان الهی دیگر از جمله آئین زرتشت، یهود و مسیحیت نیز این حکم با تفاوت‌هایی وجود دارد. در سرزمینی که اسلام در آن ظهور کرد زنان با صورتی گشاده و گریبانی چاک در معابر آمد و رفت می‌کردند، که بدون تردید باعث جلب توجه مردان و نامحرمان می‌شد و از سوی دیگر هم اسباب عیاشی و معاشرت‌های خلاف مراودات اجتماعی و محیطی در میان باور مندان و جمعیت‌های غیر باورمند، را به آفرینش می‌نشست. صرف نظر از مباحثی چون، پدیده حجاب، محدوده حجاب اسلامی، فلسفه آن و مباحث دیگر، یکی از مباحث لازم در این باره، بررسی پیشینه این حکم است؛ به این معنا که آیا اسلام خود قانون و دستور خاصی برای پوشش زنان در برابر مردان نامحرم ارائه داده است یا نه، رسم موجود بین بانوان مسلمان ریشه‌ای دیرینه دارد؟ ضرورت طرح این بحث از آن جا ناشی می‌شود که برخی مدعی شده‌اند: «ارتباط عرب با ایران از موجبات رواج حجاب در قلمرو اسلام شد» و معتقدند که «حجاب رایج میان مسلمانان عادت است که از ایرانیان، پس از مسلمان شدنشان به سایر مسلمانان سرایت کرد». برخی دیگر نیز گفته‌اند: «حجاب از ملل غیر مسلمان روم و ایران به جهان اسلام وارد شده است». این مقاله در صدد کشف اثبات این مسئله است.

قبل از ورود به بحث لازم است تا معنای درست و قابل پذیرش برای همگان واژه نامه حجاب و مقصود، ظاهری، معنوی، اخلاقی و باطنی آن را بیان نمود. مفهوم لغوی حجاب به گفته اهل لغت این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود. این درید می‌گوید:

«ا حتجبت الشيء.. اذا سترته، و الحجاب: الستر...، احتجبت الشمس فی السحاب اذا تستترت فیه. حجاب، پوششی است که روی شیء را فرا می‌گیرد و حجاب یعنی

پرده...، زمانی که خورشید در ابر فرو می رود عرب می گوید: **احتجبت الشمس فی السحاب**». قیومی این واژه را چنین توضیح می دهد:

حجب فعلی متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می رود. به پرده، حجاب می گویند، زیرا مانع از دیدن است، و به دربان، **حاجب** گفته می شود، زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می گردد، ولی برخی مواقع به موانع معنوی نیز حجاب گفته می شود. از گفتار اهل لغت می توان نتیجه گرفت که در زبان عرب، حجاب به پوششی گفته می شود که مانع از دیدن شیئی پوشانده شده می شود. شهید مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه، چنین بیان می کند:

کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب، بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوشش حجاب نیست؛ آن پوشش حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. شهید مطهری می فرماید:

در قرآن کریم در داستان سلیمان غروب خورشید را این طور توصیف می کند: «**حتی توارت بالحجاب**» یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. تعبیر حجاب با همین معنا در آیه 51 **سوره شوری** و نیز در آیه 53 **سوره احزاب** به کار برده شده است... در دستوری که امیر المومنین (علیه السلام) به مالک اشتر نوشته است می فرماید: «**فلا تطولن احتجابك عن رعيتك**» یعنی در میان مردم باش کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن. حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار ده. حجاب در علمی چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم، اصطلاح خاصی دارد اما در مسئله مورد بحث این نوشتار که مسئله ای فقهی است دارای معنای خاصی نیست. این واژه در فقه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد به کار رفته و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده بود. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است. شهید مطهری در این باره می فرماید:

استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها **کلمه ستر** که به معنی پوشش است به کار می رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند کلمه ستر را به کار برده اند نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیپوشاند و به جلوه گری

و خود نمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است... در آیات مربوطه، لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب حدود پوشش و تماس های زن و مرد را ذکر کرده است بدون آن که کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است مربوط است به زنان پیغمبر اسلام. معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه گری و خود نمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است، نه پرده نشینی زنان. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه یکی از احکام مشترك ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند.

حجاب در ایران و روم باستان در کتاب تاریخ تمدن می خوانیم: پس از داریوش مقام زن خصوصاً در طبقه ثروتمندان تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند، ولی در مورد زنان دیگر گوشه نشینی زمان حیض که بر ایشان واجب بود رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی شان را فرا گرفت... زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان آمیزش کنند. زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی را و لو پدر یا برادرشان باشد ببینند در نقشهایی که از ایران باستان بر جای مانده هیچ صورت زن دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد. شهید مطهری از سخنان جواهر لعل نهرو چنین استنباط می کند که او معتقد است که «رومیان نیز (شاید تحت تأثیر قوم یهود) حجاب داشته اند و رسم حرم سراداری نیز از روم و ایران به دربار خلفای اسلامی راه یافت».

شواهد متعددی از قرآن حاکی از این نکته است که در جامعه عرب قبل از اسلام زنان برای حضور در اجتماع از پوشش مناسب و مطلوبی برخوردار نبودند. به همین دلیل همسران پیامبر - صلوات الله و سلامه علیه و آله - از متابعت آن الگو منع می شوند:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا* وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ;

ای همسران پیامبر شما مانند هیچ يك از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع نه ورزد و گفتاری شایسته گویند. و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت های خود را آشکار مکنید.

دستورهای اصلاحی اسلام نسبت به پوشش زنان نیز حاکی از برخی نقص ها و کاستی ها در پوشش زنان آن دوره و فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است:

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا;

ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک تر است و خدا آمرزنده مهربان است.

همین نکته، از آیات سوره نور نیز که درباره آن ها بحث خواهد شد، فهمیده می شود. شأن نزول آیه 30 سوره نور اشاره ای به کیفیت پوشش قبل از دستور حجاب دارد. در این شأن نزول آمده است «**كان النساء يتقنعن خلف آذانهن**» زنان دنباله مقنعه خود را به پشت گوش های خود می انداختند» بنا بر این، گلو و بنا گوش آن ها هویدا بود. تاریخ پژوهان نیز این نکته را که زنان جزیره العرب از حجاب مناسبی برخوردار نبودند، تأیید می کنند. اکنون سخن در این است که این وضعیت به دنبال وضع قانون اسلامی مبنی بر ضرورت حجاب بر هم خورد.

در شأن نزول آیه 30 سوره نور «**قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم...**» جناب کلینی به سند خویش از سعد اسکاف نقل می کند که امام باقر (علیه السلام) فرمود: جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبه رو شد. در آن زمان زنان پوشش سر خود را پشت گوش های خود می انداختند **[در نتیجه، بنا گوش و گردن ایشان هویدا بود.]** وقتی زن از کنار وی گذشت جوان سر را به عقب برگرداند و هم چنان که راه می رفت وی را نظاره می کرد و وارد کوچه ای شد و در حالی که به پشت سر خود نگاه می کرد به راه خود ادامه داد که صورتش به استخوان یا تکه شیشه ای که از دیوار بیرون زده بود برخورد کرد و شکست. وقتی آن زن از نظرش محو شد نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد. **[به خود آمد]** و گفت: به خدا سوگند خدمت رسول خدا می رسم و او را از این مسئله خبر دار می کنم. پس خدمت رسول خدا شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جویا شد و او جریان را به اطلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل نازل می شود و این آیه را آورد:

قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك أذكى لهم إن الله خبير بما يصنعون.

سیوطی نیز این شأن نزول را به نقل از ابن مردویه از امام علی (علیه السلام) نقل کرده است. از این شأن نزول می توان استنباط کرد که اولین آیاتی که در تشریح حجاب و

بیان محدوده نظر نازل شده، همین آیات سوره نور است. گزارش های تاریخی حاکی از آن است که مسلمانان بعد از نزول این آیات، رویه متفاوتی را پیش گرفتند و با شنیدن این آیات به ضرورت ایجاد تغییرات و دگرگونی هایی در چگونگی پوشش زنان پی بردند و به همین دلیل بعد از نزول این آیات، زنان با پوشش های متفاوتی در اجتماع حاضر می شدند. مثلاً طبری (244-310 ق) در تفسیر خود آورده است:

عن عائشه زوج النبی(صلی الله علیه وآله) انھا قالت یرحم الله النساء المهاجرات الاول لما انزل الله «ولیضربن بخرهن...» شفقن **اکثف مروطن فاختمرن به**; رحمت خدا بر زنان مهاجر پیشگام باد که هنگامی که خداوند فرمان حجاب را نازل فرمود، ضخیم ترین پوشش های پشمین خود را برش داده و با آن سر و گردن خود را پوشاندند. سیوطی (849-911 ق) نیز به سند خود از ام سلمه نقل می کند که بعد از نزول آیه **«یدنین علیهن من جلابیهن»** زنان انصار از منازلشان با پوشش های مشکی خارج می شدند به گونه ای که به نظر می رسید بر سر ایشان کلاهی نشسته است. به گفته سیوطی این گزارش ذیل آیه **«ولیضربن بخرهن»** از سوره نور نیز در جوامع روایی متعددی نقل شده است. در کلام دیگری آمده است که نزد عایشه از برتری زنان قریش سخن به میان آمد. او گفت زنان قریش صاحبان فضیلت اند اما به خدا قسم من در پای بندی به کتاب خدا و ایمان به قرآن کسی را برتر از زنان انصار ندیدم. وقتی آیه **«ولیضربن بخرهن علی جیوبهن»** نازل شد و مردان این آیه را در خانه ها بر زنان خود خواندند، بعد از آن هر يك از آن زنان با لباس خود، سر و کناره های صورتش را می پوشاند. آنان وقتی صبح پشت سر رسول خدا به نماز ایستادند سر و گردن خود را پوشانده بودند به گونه ای که خیال می کردی بر سر آن ها کلاغ نشسته است.

از آنچه گذشت معلوم می شود که برداشت مردم از این آیات، ضرورت تجدید نظر در چگونگی حضور زنان در اجتماع و بین نامحرمان بود. فقها و مفسران نیز مفاد این آیات را وجوب پوشش خاص برای زنان در برابر مردان نامحرم دانسته اند. در محدوده دلالت آیات، 32-33 و 53 سوره احزاب، 28 نیز بین مفسران اختلاف است. به اتفاق دانشمندان علوم قرآن سوره های نور و احزاب از سوره های مدنی قرآن هستند. بر اساس نقل بسیاری از دانشمندان علوم قرآن سوره احزاب که متعرض حوادث سال پنجم هجری است چهارمین یا پنجمین سوره ای است که در مدینه بر پیامبر اکرم - صلوات الله و سلامه علیه - نازل شد و سوره نور نیز بعد از سوره نصر که بعد از صلح حدیبیه [سال ششم هجری] و قبل از فتح مکه [ماه رمضان سال هشتم] در مدینه بر پیامبر نازل شده است.

محققان تاریخ اسلامی نیز معتقدند که سوره نور به طور تقریبی در سال هشتم هجری آغاز شد، زیرا این سوره بعد از سوره نصر که در سال هشتم نازل شد و در تاریخ نقل شده که پیامبر بعد از این سوره دو سال در قید حیات بود و سوره نور بعد از

سوره احزاب که نزول آن از آغاز سال پنجم شروع شد، نازل شده است. به روایت ابن عباس چندین سوره بین زمان نزول سوره نور و احزاب فاصله شده است. شواهد روایی متعددی نیز گویای این نکته اند که حجاب در زمان رسول خدا واجب شد و آن جناب با کسانی که خود را با وضعیت جدید وفق نداده بودند و هنوز از پوشش مرسوم گذشته استفاده می کردند برخورد می کرد و تذکر می داد. در روایاتی از سوی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) محدوده حجاب بیان شده است. به عنوان نمونه در روایتی آمده است که نمایان ساختن تمام بدن برای زوج رواست و سر و گردن را می توان در برابر پسر و برادر آشکار کرد، اما در برابر نا محرم باید از چهار پوشش استفاده کرد: پیراهن (درع)، روسری (خمار)، پوششی وسیع تر از روسری که بر روی سینه می افتد (جلباب) و چادر (ازار).

شیخ صدوق به سند خود از امام صادق (علیه السلام) و آن حضرت از پدران خود از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل می کنند که آن حضرت فرمود: روا نیست زنی که به دوران عادت ماهانه بلوغ رسیده موی جلوی سر و گیسوان خود را آشکار کند. در روایت دیگری آمده است که برای پیامبر (صلی الله علیه وآله) چند قواره پارچه آوردند. پیامبر قواره ای را به یکی از یاران خود داد و به او فرمود که این را دو قسمت کن: قسمتی را برای خود جامه کن و قسمت دیگر آن را به همسرت بده تا برای خود روسری کند. بعد به وی فرمود: به همسرت بگو برای این پارچه آستری فراهم کند تا بدن وی از زیر آن نمایان نباشد. هم چنین در روایتی آمده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) با جابر بن عبدالله انصاری به خانه فاطمه ((علیها السلام)) رفتند. پیامبر اجازه ورود خواست و فرمود من و کسی که همراه من است وارد شویم. فاطمه فرمود: روسری بر سر ندارم پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: قسمت اضافه روپوش خود را بر سر خود بگیر و بعد پیامبر (صلی الله علیه وآله) و جابر بر حضرت زهرا وارد شدند. برخی روایات نشان می دهد زنانی که خود را با وضع جدید تطبیق نداده بودند مورد اعتراض قرار می گرفتند. عایشه می گوید: دختر عبدالله بن طفیل که برادر مادری من بود در حالی که زینت کرده بود به خانه ام آمد. در همان هنگام پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز وارد شد و هنگامی که او را دید از او روی برگرداند. عایشه گفت یا رسول الله این دختر، بردار زاده من و خردسال است! پس پیامبر فرمود: هنگامی که زن به دوران عادت ماهانه رسید بر او جایز نیست که جز روی خود موضع دیگری را نمایان کند.

در گزارش دیگری نیز عایشه می گوید که اسماء دختر ابی بکر در حالی که پوششی نازک بر تن داشت بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) وارد شد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) از وی روی گرداند و به وی فرمود: ای اسماء! وقتی زن به سنی رسید که عادت ماهانه برای او اتفاق می افتد جایز نیست که جز صورت و دست وی تا قدری بالای میچ در معرض دید دیگران قرار گیرد. قبل از غزوه طائف دو نفر که عموم مردم

«غیر اولی الاربه؛ مردی که از زن بی نیاز است.» به حساب می آورند جمال و وضع ظاهری زنی از اهالی طائف را تعریف می کردند که چنین و چنان است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن ایشان را شنید و درباره این دو نفر فرمود: می بینم که شما دو نفر به زنان تمایل دارید (غیر اولی الاربه نمی باشید) آن گاه دستور داد آن دو را به محلی به نام «عرایا» تبعید کردند. این قضیه حاکی از آن است که قبل از فتح طائف که در شوال سال هشتم هجری اتفاق افتاد مسئله حجاب و رعایت حریم زنان مطرح بوده است.

این روایات اگر چه از نظر سند و دلالت نیازمند بررسی است، اما روی هم رفته حاکی از این موضوع است که حجاب قبل از آن که بین مسلمانان و ایرانیان یا رومیان ارتباطی برقرار شود، تشریح شده و پشتوانه ای دینی داشته است و چنین نبود که پس از تعامل با دیگر ملل، بین مسلمانان پیدا شده باشد. زمان برقراری ارتباط میان اسلام و ایران و روم سر آغاز ارتباط ایرانیان و رومیان با اسلام به زمانی باز می گردد که رسول خدا - علیه آله التحیه و الثناء - تصمیم گرفت دعوت خویش را گسترش داده و ایران و روم و ملل دیگر را به اسلام دعوت نماید. بر اساس گزارش های تاریخی، پیامبر - علیه آله التحیه و الثناء - در سال ششم هجری برای حاکمان ایران و روم نامه نگاری و دعوت خویش را از ایشان آغاز کرد. البته این مرحله، ارتباطی برقرار نشد و ارتباط ایرانیان با مسلمانان تا زمان خلیفه دوم در همین حد باقی ماند و در دوره حکومت خلیفه دوم که مسلمانان ایران را فتح کردند ارتباط تنگاتنگی میان آن ها به وجود آمد و زمینه تأثیر گذاری ها و تعامل فرهنگی فراهم شد. ارتباط میان رومیان و مسلمانان نیز به همین دوران باز می گردد. با مقایسه ای سطحی میان تاریخ نزول آیات حجاب و تشریح حجاب در اسلام و زمان پیدایش ارتباط میان مسلمانان عرب و دیگر ملل، نادرستی پندار تسری حجاب از سایر ملل به اسلام عیان می گردد. ممکن است کسانی که مدعی شده اند که حجاب از ایران و روم بین اعراب مسلمان راه یافته، مقصودشان از حجاب پرده نشینی زنان باشد. شهید مطهری بعد از تخطئه این ادعا که حجاب از ایران یا جای دیگری به اسلام وارد شده باشد و ارائه شواهد مختصری بر این امر، می فرماید:

فقط بعدها بر اثر معاشرت اعراب مسلمان با تازه مسلمانان غیر عرب، حجاب از آن چه در زمان رسول اکرم وجود داشت شدیدتر شد نه این که اسلام اساساً به پوشش زن هیچ عنایتی نداشته است. البته برخی سخت گیرهای از جانب خلیفه دوم، حتی در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گزارش شده که در برخی موارد با عکس العمل برخی زنان رسول خدا رو به رو شده است. صحت و سقم این گزارش ها و در مرحله بعد یافتن منشأ این طرز فکر امری در خور بررسی و پژوهش است. بعید نیست که سخنان ویل دورانت و جواهر لعل نهرو - در ابتدای نوشته نقل شد - صرفاً ناظر به پرده نشینی زنان باشد و به ستر و پوشش آنان عنایتی نداشته اند. برخی محققان نیز

منکر پشتوانه دینی برای نقاب زدن و برقع بر چهره افکندن شده اند و آن را رسمی دانسته اند که از دیگر ملل وارد فرهنگ اسلامی شده، البته این خود نیازمند تحقیقی مستقل است.

کتاب نامه

1. سیوطی، عبدالرحمان، الاتقان، [بی جا، بی تا].
2. جصاص، احمد، احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، [بی تا].
3. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، [بی تا].
4. زرکشی، محمد، البرهان، بیروت، دار الفکر، 1408 ق.
5. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و...، چاپ سوم: تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1371.
6. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مطبوعه مهر، 1396.
7. طبری، محمد، جامع البیان فی تاول القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1420 ق.
8. عاملی، جعفر مرتضی، حدیث الافک، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1400 ق.
9. طوسی، محمد، الخلاف، قم، موسسه النشر الاسلامی، 1417 ق.
10. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دار الفکر، 1403 ق.
11. ابوزید، نصر حامد، دوائر الخوف، بیروت، مرکز الثقافی العربی، چاپ سوم، 2004 م.
12. اردبیلی، احمد، زبدة البیان، قم، انتشارات مومنین، 1421 م.
13. سجستانی، سلیمان، سنن أبی داود، بیروت، دار الفکر، 1410 ق.
14. مازندرانی، ملا صالح، شرح اصول کافی، تهران، مکتبه الاسلامیه، 1388 ق.
15. شوکانی، محمد، فتح القدر، عالم الکتب، [بی جا، بی تا].
16. کاشانی، فیض، الصافی، تهران، مکتبه الصدر، 1416 ق.
17. جوهری، اسماعیل، الصحاح تاج اللغه العربیه و صحاح العربیه، چاپ هفتم: بیروت، دار العلم للملایین، 1407 ق.
18. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه للطباعه و النشر، [بی تا].
19. الکوفی، احمد، فتوح البلدان، بیروت، دار الندوه الجدیده، [بی تا].
20. راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، قم، مکتبه آیه الله عظمی مرعشی، 1405 ق.
21. کلینی، محمد، کافی، چاپ سوم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1388 ق.
22. سیوری، فاضل مقداد، کنز العرفان، تهران، مرتضوی، 1369.
23. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، چاپ دوم، الثقافه الاسلامیه، 1408 ق.
24. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، 1415 ق.
25. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، 1420 ق.
26. حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعہ، قم، موسسه النشر الاسلامی، 1412 ق.

27. عسكرى، مرتضى، معالم المدرستين، چاپ ششم: [بى جا]المجمع العلمى الاسلامى، 1416 ق.
28. راغب اصفهانى، حسين، مفردات الفاظ قرآن، قم، ذوى القربى، 1416 ق.
29. صدوق، محمد، من لا يحضره الفقيه، قم، جامعه مدرسین، 1404 ق.
30. رشيدرضا، محمد، المنار، چاپ دوم: بيروت، دار المعرفه، [بى تا].
31. طباطبائى، محمدحسين، الميزان، قم، جامعه مدرسین، [بى تا].
32. كاشانى، فيض، الوافى، اصفهان، مكتبه امير المومنين(عليه السلام)، 1406 ق.
33. حر عاملى، محمد، وسائل الشيعه، قم، آل البيت(عليهم السلام)، 1414 ق.